

## نقش ویژگیهای سرشتی و سبکهای فرزندپروری در پیش‌بینی حوزه‌های

### خودگردانی و عملکرد مختل، دیگر جهت‌مندی و گوش به زنگی

#### طرحواره‌های ناسازگار اولیه

حسین رضائیان بیلندی<sup>۱</sup>

نادر منیرپور<sup>۲</sup>

محمد رضا احمدی<sup>۳</sup>

عباس علی هراتیان<sup>۴</sup>

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۵/۱۴

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۹/۰۱

#### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش ویژگیهای سرشتی و سبکهای فرزندپروری در پیش‌بینی حوزه‌های خودگردانی و عملکرد مختل، دیگر جهت‌مندی و گوش به زنگی طرحواره‌های ناسازگار اولیه اجرا شد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. بدین منظور ۳۹۷ نفر از جامعه طلاب و دانشجویان قم به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های سرشت و منش (TCI-SF)، سبکهای فرزندپروری (YPI) و طرحواره‌های ناسازگار اولیه (YSQ-SF) پاسخ دادند. در تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد. نتایج نشان داد سبکهای فرزندپروری محدودیت‌های مختل ( $P < 0/05$ )، خودگردانی و عملکرد مختل و ویژگیهای سرشتی نوجویی، آسیب‌پرهیزی و پشتکار ( $P < 0/01$ ) مهمترین پیش‌بین‌های حوزه خودگردانی و عملکرد مختل طرحواره‌های ناسازگار اولیه بود. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که سبک فرزندپروری حوزه دیگر جهت‌مندی، ویژگیهای سرشتی پاداش وابستگی و پشتکار به صورت معناداری ( $P < 0/01$ ) حوزه دیگر جهت‌مندی طرحواره‌های ناسازگار اولیه را پیش‌بینی کرد. در رابطه با حوزه گوش به زنگی نیز سبک فرزند پروری گوش به زنگی ( $P < 0/05$ ) و ویژگیهای سرشتی آسیب‌پرهیزی و پشتکار ( $P < 0/01$ ) توان پیش‌بینی‌کنندگی معناداری داشت. این یافته‌ها نقش مهم ویژگیهای سرشتی و سبکهای فرزندپروری را به عنوان ریشه‌های تحولی حوزه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه نشان می‌دهد. **کلیدواژه‌ها:** ویژگی‌های سرشتی، سبک‌های فرزندپروری، طرحواره‌های ناسازگار اولیه. مدل طرحواره محور یانگ.

۱ - نویسنده مسئول: دانش آموخته کارشناس ارشد روانشناسی. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) قم

h.rezaeiyan60@gmail.com

monirpoor1357@yahoo.com

m.r.Ahmadi313@Gmail.com

a.haratiyan@gmail.com

۲ - استادیار گروه روانشناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

۳ - استادیار گروه روانشناسی. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). قم

۴ - دانشجوی دکتری روانشناسی. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم

## مقدمه

تأثیر معنی‌دار عملکرد والدین در خانواده بر شکل‌گیری افکار، رفتار و هیجانات کودکان مدتهاست که از سوی روانشناسان مورد تأکید قرار گرفته است (شهامت، ثابتي و رضواني، ۲۰۱۱). پژوهشهای وسیعی که در زمینه چگونگی برخورد والدین با کودکان انجام شده است، نشان می‌دهد رفتارهای نادرست والدین در الگوهای کارکرد درونی کودکان ذخیره شده، شناختهای او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و آثار طولانی بر عقاید و افکار، رفتار و عملکرد، انتظارات و شخصیت افراد در آینده دارد (هریس و سرتین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲؛ گرتز، وان اوز، گرلسما<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹؛ بوسمنز، بریت و ولیربرگ<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰؛ رولوفس، آنکلز و موریس<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲). در این میان دانشمندان حوزه شناختی به ساختارهای ذهنی با نام «طرحواره»<sup>۵</sup> اشاره می‌کنند. پیازه<sup>۶</sup> (۱۹۵۴) معتقد است عملکرد والدین سبب ایجاد و گسترش الگوهایی در درون سازمان شناختی کودک به نام طرحواره می‌شود. وی طرحواره را به صورت قالبی شناختی و بازنمایی انتزاعی از ویژگیهایی متمایزکننده هر واقعه مطرح کرد و آن را «نقشه انتزاعی شناختی» و راهنمای تفسیر اطلاعات در نظر گرفت. آرون.تی بک<sup>۷</sup> (۱۹۶۷) نیز در نظریه خود بر عملکرد طرحواره‌های شناختی به عنوان اساسیترین عامل تأکید کرد و به سه لایه مختلف تفکری یعنی افکار سطحی<sup>۸</sup> یا خطای شناختی، افکار واسطه‌ای<sup>۹</sup> و طرحواره‌ها یا افکار هسته‌ای<sup>۱۰</sup> در شکل‌گیری آسیب روانی و نیز اهمیت تغییر آنها در درمان اشاره نمود (فری، ۱۳۸۸).

در ادامه جفری یانگ<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۳) مکتبهای شناختی - رفتاری، دلبستگی گشتالت<sup>۱۲</sup>، روابط موضوعی<sup>۱۳</sup>، سازنده‌گرایی<sup>۱۴</sup> و روان‌تحلیلگری<sup>۱۵</sup> را در قالب یک الگوی درمانی و مفهومی تلفیق

1 - Harris A.E. & Curtin. L

2 - Geerts E., van Os & Gerlsma C.

3 - Bosmans G., Braet C. & Vlierberghe L. V.

4 - Roelofs J., Onckels L. & Muris P.

5 - Schema

6 - Piaget

7 - Aaron T.Beck

8 - Surface Belifes

9 - Belife intermidate

10 - Belife Core

11 - Young Jeffrey E.

12 - Geshtalt

13 - Object relations

14 - Constructivism

15 - Psycho Analysis

کرده و معتقد است «طرحواره‌های ناسازگار اولیه<sup>۱</sup>»، الگوهای هیجانی خودآسیب‌رسان و ساختارهای شناختی عمیق و پایداری است که در دوران کودکی ایجاد می‌شود و به سراسر زندگی فرد گسترش می‌یابد (حمیدپور و اندوز، ۱۳۹۱).

بر اساس الگوی طرحواره یانگ، طرحواره‌های ناسازگار اولیه درونمایه‌ها یا الگوهای فراگیر و عمیقی درباره خود و دیگران است که بشدت ناکارآمد است و از خاطرات، هیجانها، شناختها و احساسهای بدنی تشکیل شده است. طرحواره‌ها به مثابه عدسی‌هایی بر ادراک فرد از جهان، خود و دیگران اثر می‌گذارند (الفوسفوس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹؛ ملمد<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲) و ممکن است هسته اصلی اختلالات شخصیت، مشکلات منش شناختی خفیف‌تر و بسیاری از اختلالات مزمن محور یک قرار گیرد (حمیدپور و اندوز، ۱۳۹۱). در مقایسه با دیگر آسیب‌پذیریهای شناختی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، غیر شرطی‌تر و خوداینده‌تر است و توان تولید سطوح بالای عاطفه منفی را دارد؛ چرا که آنها با موضوعات هسته‌ای زندگی، چون استقلال و صمیمیت، مرتبط است (اشمیت، جونر، یانگ و تلچ<sup>۴</sup>، ۱۹۹۵).

به اعتقاد یانگ طرحواره‌های ناسازگار اولیه از ارضا نشدن نیازهای هیجانی اساسی<sup>۵</sup> دوران کودکی: ۱. دلبستگی<sup>۶</sup> ایمن به دیگران ۲. خودگردانی<sup>۷</sup>، رقابت، کفایت و هویت ۳. آزادی در بیان نیازها و هیجانهای سالم ۴. خودانگیزگی<sup>۸</sup> و تفریح ۵. محدودیتهای<sup>۹</sup> واقع‌بینانه و خویش‌نماری<sup>۱۰</sup> سرچشمه می‌گیرد. یانگ مطابق با این پنج نیاز تحولی و هیجانی، ۱۸ طرحواره ناسازگار اولیه را در قالب پنج حوزه کلی و گسترده معرفی کرده که عبارت است از:

۱ - حوزه بریدگی و طرد<sup>۱۱</sup> ۲ - حوزه خودگردانی و عملکرد مختل<sup>۱۲</sup> ۳ - حوزه محدودیتهای مختل<sup>۱۳</sup> ۴ - حوزه دیگر جهت‌مندی<sup>۱۴</sup> و ۵ - حوزه گوش به زنگی و بازداری بیش از حد<sup>۱</sup>

- 
- 1 - Early Maladaptive Schemas
  - 2 - Alfasfos
  - 3 - Melmed
  - 4 - Schmidt, N. B., Joiner, T. E., Young, J. E., & Telch, M. J
  - 5 - Core emotional needs
  - 6 - Attachment
  - 7 - Autonomy
  - 8 - Spontaneity
  - 9 - Limits
  - 10 - Self-Isolation
  - 11 - Disconnection and Rejection
  - 12 - Impaired Autonomy and Performance
  - 13 - Impaired Limits
  - 14 - Other - Directedness

(حمیدپور و اندوز، ۱۳۹۱). بر این اساس ریشه تحولی طرحواره‌های ناسازگار اولیه در تجربه اولیه دوران کودکی است و اغلب آنها نتیجه «تجربه زیانبخش»<sup>۱</sup>ی است که فرد در طول دوران کودکی و نوجوانی با آن روبه‌رو بوده است.

پژوهش‌هایی که در زمینه ایجاد طرحواره‌ها انجام شده است، نشان می‌دهد که آنها بیشتر از اینکه نتیجه وقایع تکان دهنده جدا باشد، احتمالاً با الگوهای مداوم و تجربه رسمی روزمره با اعضای خانواده و همتایان ایجاد می‌شود که به گونه فزاینده‌ای طرحواره‌ها را ایجاد و تقویت می‌کند. از مهمترین این الگوهای مداوم و مؤثر، می‌توان به سبکهای فرزندپروری والدین اشاره کرد. سبکهای فرزندپروری ترکیه‌هایی از رفتارهای والدین با کودک است که در موقعیت‌های گسترده‌ای روی می‌دهد و جو فرزندپروری بادوامی را پدید می‌آورد (سید محمدی، ۱۳۹۲). بر اساس نظر یانگ تعاملات ناکارآمد والدین پیش‌بین بسیار قوی برای طرحواره‌های ناسازگار اولیه در روابط بین فردی آینده است و بر شکل‌گیری طرحواره‌ها تأثیر معناداری دارد (دیاز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵ به نقل از جعفری، برهون و قمری، ۱۳۹۴).

در حمایت از این دیدگاه، گانتی، جان و بوری<sup>۳</sup> (۲۰۰۸) با بررسی عملکرد والدین شامل سه مؤلفه مهرورزی، اقتدار و کنترل، دریافته‌اند که عملکرد والدین پیش‌بینی‌کننده معناداری برای برخی حیطه‌های طرحواره‌ها (قطع ارتباط/ طرد و عملکرد/ خودگردانی مختل) است. طبق یافته‌های پژوهش موریس<sup>۴</sup> (۲۰۰۶)، رابطه مثبت و معناداری بین طرد و عدم پذیرش والدین با طرحواره‌های ناسازگار اولیه و رابطه منفی و معناداری بین گرمی و محبت والدین با نمره‌های زیاد طرحواره‌های ناسازگار اولیه به‌دست آمد. مطالعه زفیریلی<sup>۵</sup>، اوآگیانو<sup>۶</sup> و واسیلیادو<sup>۷</sup> (۲۰۱۴) نیز با استفاده از یک نمونه ۶۳۶ نفری از نوجوانان، نشان داد که بین فراوانی و میزان طرحواره‌های ناسازگار اولیه با سبکهای فرزندپروری ارتباط معناداری وجود دارد. نتایج حاکی بود که چنانچه مادر، زمان مناسبی برای مراقبت از کودک فراهم کرده باشد، فرزند، کمتر طرحواره‌های ناسازگار اولیه انزوای اجتماعی، بی‌اعتمادی، رهاشدگی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، محرومیت هیجانی، ایثار

1 - Overvigilance/Inhibition

2 - Noxious

3 - Diaz Y

4 - Gunty, L. & John R. Buri

5 - Muris, P

6 - Zafiropoulou, M.

7 - Avagianou, P.A.

8 - Vassiliadou, S.

و شکست را تجربه خواهد کرد و از سوی دیگر حمایت‌های افراطی والدین از کودکان نیز با طرحواره‌های ناسازگار اولیه محرومیت هیجانی، استحقاق، گرفتار، خویش‌داری ناکافی و شکست همبستگی مثبتی دارد.

هم‌چنین بیرامی و اسمعیلی کورانه (۱۳۹۱) پژوهشی به‌منظور بررسی نقش سبکهای فرزندپروری در پیش‌بینی طرحواره‌های ناسازگار اولیه در الگوی طرحواره یانگ انجام دادند. تحلیل نتایج با استفاده از تحلیل رگرسیون نشان داد که سبکهای فرزندپروری در حوزه‌های پنجگانه طرحواره‌ها به غیر از حوزه دیگر جهت‌مندی، پیش‌بین خوبی برای طرحواره‌های ناسازگار در دو حوزه بریدگی / طرد و خودگردانی و عملکرد مختل است. مطالعه امیرسرداری و اسمعیلی کورانه (۲۰۱۴) نشان داد که سبکهای فرزندپروری (ریشه‌های تحولی) یانگ پیش‌بینی‌کننده معناداری برای طرحواره‌های ناسازگار اولیه است. به صورت جزئی‌تر در پژوهش حاجی کاظمی، اسمعیلی و فتحی‌آشتیانی (۱۳۹۳)، رابطه منفی و معنادار شیوه فرزندپروری با بُعد غالب محبت و طرحواره‌های ناسازگار اولیه محرومیت هیجانی، نقص، انزوای اجتماعی، وابستگی، اطاعت، بازداری هیجانی، خودتحول نیافته، معیارهای سرسختانه و خویش‌داری و خودانضباطی ناکافی و هم‌چنین رابطه مثبت و معنادار شیوه‌های فرزندپروری با بُعد غالب کنترل با طرحواره‌های ناسازگار محرومیت هیجانی، نقص، اطاعت، ایثار و بی‌اعتمادی به دست آمد.

یکی دیگر از عوامل شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه، ویژگیهای سرشتی هیجانی یا همان خلق و خواست (حمیدپور و اندوز، ۱۳۹۱). سرشت به‌عنوان سازه کلی به دامنه گسترده‌ای از صفات روانی اشاره می‌کند که ریشه زیستی دارد (یزدخواستی و هاریزوکا، ۲۰۰۶). در واقع ویژگیهای سرشتی به ویژگیهای ذاتی گفته می‌شود که در افراد مختلف از لحاظ هیجان، ویژگی حرکتی، خود تنظیمی و توجه متفاوت است و به‌طور متوسط با بهنجاری در دوره‌های بعدی رابطه دارد (حشمتی، یزدخواستی و مولوی، ۱۳۹۱). به نظر می‌رسد شکل‌گیری طرحواره‌ها نیز در دوران کودکی با ترکیبی از نظم ژنتیکی و عوامل زیست‌شناختی در ارتباط است (نوردال، هولث و هاگام<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). بر همین اساس در نظریه بک نیز طرحواره‌های ناسازگار اولیه نتیجه تداخل بین خلق و خوی فطری کودک و تجربه بد عملکردی با والدین و هم‌تایان در طول چند ساله اول زندگی عنوان شده است (تورس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲). یانگ (۲۰۰۳) نیز معتقد است ویژگیهای سرشتی

1 - Nordahl, Holthe, Haugum

2 - Torres

متفاوت، کودکان را در معرض وضعیت‌های گوناگونی قرار می‌دهد و این مسئله موجب شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه مختلف در هر فرد می‌شود؛ چرا که کودکان ممکن است به دلیل ابعاد سرشتی متفاوت در مقابل رفتار مشابه والدین خود، واکنشهای کاملاً متفاوتی نشان دهند و در مقابل وضعیت زندگی یکسان به‌طور متفاوتی آسیب‌پذیر گردند (صلواتی و یکه‌یزدان‌دوست، ۱۳۸۹). از دیدگاه یانگ برخی از ابعاد سرشتی که تا حدودی غیر قابل تغییر است، عبارت است از: پایدار<sup>۱</sup> / بی‌ثبات<sup>۲</sup>، خوشبین<sup>۳</sup> / افسرده‌خو<sup>۴</sup> و خونسرد<sup>۵</sup> / مضطرب<sup>۶</sup> (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). در ادامه کلونینجر<sup>۷</sup> در الگوی عصبی - زیستی خود، که جنبه‌های ژنوتایپی شخصیت را بررسی می‌کند و شامل چهار بعد سرشتی آسیب‌پرهیزی<sup>۸</sup> (HA)، نوجویی<sup>۹</sup> (NS)، پاداش وابستگی<sup>۱۰</sup> (RD) و پشتکار<sup>۱۱</sup> (PS) و سه بعد منشی خودهدایتی<sup>۱۲</sup> (SD)، همکاری<sup>۱۳</sup> (C) و خودفراروی<sup>۱۴</sup> (ST) می‌شود (سادوک<sup>۱۵</sup> و سادوک<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۷) معتقد است که تفاوت‌های فردی در ابعاد سرشتی، شکل‌دهنده فرایند پردازش اطلاعات حسی و مؤلفه‌های یادگیریهای نخستین (از جمله طرحواره‌های ناسازگار اولیه) است. در الگوی کلونینجر نوجویی مرتبط با تحریک‌جویی، افراط، تکانشگری و بی‌نظمی است. آسیب‌پرهیزی به ویژگیهایی مانند نگرانی، ترس از عدم قطعیت، شرم و خجالت و فرسودگی اشاره دارد. پاداش وابستگی بیانگر وابستگی گرم و اجتماعی، اندوه جدایی، ابراز همدردی و حساسیت اجتماعی است و پشتکار نشان‌دهنده تلاش در پاسخ به نشانه‌های پاداش احتمالی در مقابل تنبلی و سختکوشی است (بیرامی و همکاران، ۱۳۹۱؛ آدان، گرابولوسا، ساسی و ناتالی<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۹ به نقل از علی‌محمدی، شیبانی نوقابی و زاهدی تجریشی، ۱۳۹۱). در این

- 
- 1 - Nonreactive
  - 2 - Labile
  - 3 - Optimistic
  - 4 - Dysthymic
  - 5 - Calm
  - 6 - Anxious
  - 7 - Cloninger CR
  - 8 - Harm Avoidance
  - 9 - Novelty Seeking
  - 10 - Reward Dependence
  - 11 - Persistence
  - 12 - Self Directedness
  - 13 - Cooperativeness
  - 14 - Self Transference
  - 15 - Sadock BJ.
  - 16 - Sadock VA
  - 17 - Adan, Grabulosa, Caci & Natale

رابطه پژوهش رضائیان ییلندی، منیرپور و حسن‌آبادی (۱۳۹۵) نیز رابطه ویژگیهای سرشتی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه را تأیید کرد و نشان داد که خلق و خو به صورت مستقیم و معنادار طرحواره‌های ناسازگار اولیه را پیش‌بینی می‌کند.

با توجه به تبیین نظری یانگ از ریشه تحولی طرحواره‌های ناسازگار اولیه و حمایت‌های پژوهشی متعدد از آن مبنی بر نقش ویژگیهای سرشتی و سبکهای فرزندپروری در شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه، تاکنون پژوهشهای اندکی به بررسی همزمان نقش سبکهای فرزندپروری و ویژگیهای سرشتی در پیش‌بینی طرحواره‌های ناسازگار اولیه پرداخته‌اند و مطالعه بومی که نقش این عوامل را به صورت جزئی در پیش‌بینی حوزه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه بررسی کرده باشد، یافت نشد. بنابراین هدف این پژوهش رفع کمبود و نقص ادبیات علمی در این زمینه و بررسی نقش ویژگیهای سرشتی و سبکهای فرزندپروری در پیش‌بینی حوزه‌های خودگرانی و عملکرد مختل، دیگر جهت‌مندی و گوش به زنگی طرحواره‌های ناسازگار اولیه به صورت جزئی و تعیین سهم هر یک از عوامل است.

## روش

این پژوهش جزء تحقیقات مقطعی - توصیفی و از نوع همبستگی است. در این پژوهش پنج حوزه سبکهای فرزندپروری (بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت‌های مختل، دیگر جهت‌مندی، گوش به زنگی و بازداری) و ویژگیهای سرشتی (نوجویی، آسیب‌پرهیزی، پاداش‌وابستگی و پشتکار) به عنوان متغیر پیش‌بین و حوزه‌های خودگرانی و عملکرد مختل، دیگر جهت‌مندی و گوش به زنگی و بازداری طرحواره‌های ناسازگار اولیه به عنوان متغیر ملاک بود. جامعه آماری پژوهش همه دانشجویان مرد دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه سراسری قم و طلاب مرد حوزه علمیه قم در سال تحصیلی ۱۳۹۳ - ۱۳۹۲ بودند که ۳۹۷ نفر با در نظر گرفتن محل تحصیل (۳۱۸ طلبه و ۷۹ دانشجو) و سطح تحصیلات (کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد و معادل آن) به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای<sup>۱</sup> انتخاب شدند که از آنها خواسته شد تا به ابزارهای پژوهش پاسخ دهند. برای گردآوری داده‌ها از ابزارهای ذیل استفاده شد:

الف - فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ (YSQ-SF)<sup>۲</sup>: یانگ در سال

1 - Stratified random sampling

2 - Young schema questionnaire - short form.

۱۹۹۸ فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه را برای اندازه‌گیری ۱۵ طرحواره ناسازگار اولیه تهیه کرد که از ۷۵ گویه دارای بیشترین بار عاملی در فرم بلند ۲۰۵ سؤالی اولیه تشکیل شده است (شایقیان، آگیلار وفایی و رسولزاده طباطبائی، ۱۳۹۰). این ابزار خود توصیفی، دارای پاسخهای ۶ درجه‌ای (کاملاً غلط=۱ تا کاملاً درست=۶) است و طرحواره‌ها را در قالب پنج حوزه می‌سنجد. درباره ویژگیهای روانسنجی این پرسشنامه بررسیهای متعددی انجام شده است؛ از جمله در پژوهش والر<sup>۱</sup>، دیکسون<sup>۲</sup> و آئین<sup>۳</sup> (۲۰۰۲) ثبات درونی محاسبه شده برای عوامل پرسشنامه از ۰/۶۵ تا ۰/۹۰ گزارش شد و در پژوهش بارانف<sup>۴</sup> و اویی<sup>۵</sup> (۲۰۰۷) نیز ساختار عاملی و روایی سازه آن مورد تأیید قرار گرفت. در ایران پژوهش آهی، محمدی فر و بشارت (۱۳۸۶) به منظور بررسی روایی و اعتبار فرم کوتاه در دانشجویان، نشان داد که اعتبار پرسشنامه به دو شیوه همسانی درونی آلفای کرونباخ و بازآزمایی به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۷۶ بود. در پژوهش برای این پرسشنامه، ضریب آلفای ۰/۹۴ به دست آمد.

ب - پرسشنامه سبکهای فرزندپروری یانگ<sup>۶</sup> (YPI): یانگ (۱۹۹۴) پرسشنامه سبکهای فرزندپروری را که ابزاری خود توصیفی با ۷۲ گویه است برای شناسایی ریشه‌های تحولی طرحواره‌های ناسازگار اولیه طراحی کرده است. در این پرسشنامه پاسخ‌دهندگان، پدر و مادر خود را به جداگانه براساس نوع رفتاری که در کودکی با وی داشته‌اند در یک مقیاس شش درجه‌ای رتبه‌بندی می‌کنند. ویژگیهای روانسنجی اولیه پس از تحلیل عاملی، آلفای کرونباخ آن را در دامنه ۰/۹۱ تا ۰/۷ نشان داد. هم‌چنین نتایج بازآزمایی بیانگر اعتبار خوب بود و اعتبار سازه در حد قابل قبولی گزارش شد (یانگ و براون، ۱۹۹۴). در ایران یکه‌یزدان‌دوست، صلواتی و عاطف‌وحید با استفاده از روش دو نیمه‌سازی برای فرم پدر ضریب اعتبار ۰/۸۰ و برای فرم مادر ضریب اعتبار ۰/۶۹ را گزارش کرده‌اند (به نقل از صلواتی و همکاران، ۱۳۸۹). در این پژوهش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ برای فرم پدر و ضریب آلفای ۰/۸۸ برای فرم مادر به دست آمد.

ج - فرم کوتاه پرسشنامه سرشت و منش کلونینجر<sup>۷</sup>: (TCI-SF): کلونینجر به کمک

- 
- 1 - Waller, G.
  - 2 - Dickson, C.
  - 3 - Ohanian, V.
  - 4 - Baranoff, J.
  - 5 - Oei, T.P.
  - 6 - Young Parenting Inventory
  - 7 - Temperament and Character Inventory- Short Form (TCI-SF)



همکارانش پرایزبک<sup>۱</sup>، سوراکیک<sup>۲</sup> و وتزل<sup>۳</sup> در سال ۱۹۹۴ پرسشنامه سرشت و منش را برای سنجش چهار بعد سرشتی (آسیب‌پرهیزی، نوجویی، پاداش‌وابستگی و پشتکار) شخصیت و نیز سه بعد منش (خودهدایتی، همکاری و خودفراروی) ارائه کرد. ضرایب همسانی درونی پرسشنامه در نمونه اصلی برای ابعاد سرشتی به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۸۷، ۰/۷۶ و ۰/۶۵ و برای ابعاد منشی نیز به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۹ و ۰/۸۴ گزارش شد (کلونینجر و همکاران، ۱۹۹۴). نتیجه اعتباریابی کایانی و ناصح‌زاده (۱۳۸۴) در ایران حاکی از پایایی و روایی مطلوب آزمون در جمعیت غیر بالینی بود و ضرایب پایایی بازآزمایی خرده‌مقیاسهای این پرسشنامه در دامنه ۰/۷۳ (برای وابستگی به پاداش) تا ۰/۹ (برای خودراهبری) و آلفای کرونباخ خرده‌مقیاسها بین دامنه ۰/۶۶ (برای خودراهبری) تا ۰/۹۰ (برای پشتکار) محاسبه گردید. هم‌چنین کتابی، ماهر و برجعلی (۱۳۸۷) آلفای کرونباخ سه خرده‌مقیاس نوجویی، آسیب‌پرهیزی و وابستگی به پاداش را در یک نمونه ۳۰۰ نفری ایرانی به ترتیب برابر با ۰/۶۶، ۰/۸۵ و ۰/۶۴ گزارش کردند. در این پژوهش بعد سرشت این پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت و ضریب آلفای ۰/۷۸ به دست آمد.

برای اجرای پژوهش ابتدا جامعه مورد نظر به دو گروه کلی دانشجوی و طلبه تقسیم گردید و سپس از نظر سطح تحصیلات در سه دسته ناهمپوش (کاردانی / سطح یک حوزه، کارشناسی / سطح دو حوزه، کارشناسی ارشد / سطح سه حوزه) طبقه‌بندی شدند. پس از تقسیم واحدهای نمونه‌برداری به طبقه‌های مختلف، گام بعدی این بود که برای هر طبقه یک نمونه تصادفی ساده به دست آید و در گزینش مقدار گروه نمونه، اهمیت فراوانی نسبی هر طبقه مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس با مراجعه به هر یک از مراکز علمی یاده شده به صورت تصادفی از کلاسهای رشته‌های گوناگون و مقاطع مختلف تحصیلی، تعداد مورد نظر انتخاب شدند و افراد انتخابی با رعایت اصول علمی و ارائه توضیحات لازم به تکمیل دفترچه حاوی سه پرسشنامه اقدام کردند. محاسبات آماری لازم به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی و با استفاده از نسخه بیست و سوم نرم‌افزار بسته آماری علوم اجتماعی (SPSS23) انجام شد. در سطح توصیفی از میانگین و انحراف استاندارد و در سطح استنباطی از ضریب همبستگی و آزمون رگرسیون همزمان استفاده شد.

1 - Przybeck TR  
2 - Svrakic DM,  
3 - Wetzel R

## یافته‌ها

نمونه مورد مطالعه شامل ۳۹۷ نفر (۳۱۸ طبله و ۷۹ دانشجو) آزمودنی بود که در دامنه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال قرار داشتند. میانگین سنی آزمودنیها ۲۸/۸۲ با انحراف معیار ۴/۳۰ به دست آمد. از نظر تحصیلات، ۱۳/۸۵ درصد دانشجوی کاردانی و یا طبله سطح یک حوزه، ۴۷/۶۰ درصد کارشناسی و یا سطح دو حوزه و ۳۸/۵۳ درصد کارشناسی ارشد و یا سطح سه حوزه بودند. نتایج مربوط به میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی بین متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

حوزه	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱ - خودگردانی و عملکرد مختل												
۲ - دیگر جهت‌مندی	۰/۴۸ <sup>**</sup>											
۳ - گوش به زنگی و بازداری	۰/۳۸ <sup>**</sup>	۰/۴۳ <sup>**</sup>										
۴ - سبک فرزندپروری بریدگی و طرد	۰/۳۲ <sup>**</sup>	۰/۱۹ <sup>**</sup>	۰/۲۱ <sup>**</sup>									
۵ - سبک فرزندپروری خودگردانی و عملکرد مختل	۰/۴۵ <sup>**</sup>	۰/۲۵ <sup>**</sup>	۰/۲۶ <sup>**</sup>	۰/۴۰ <sup>**</sup>								
۶ - سبک فرزندپروری محدودیت‌های مختل	۰/۳۷ <sup>**</sup>	۰/۲۷ <sup>**</sup>	۰/۲۰ <sup>**</sup>	۰/۴۵ <sup>**</sup>	۰/۵۷ <sup>**</sup>							
۷ - سبک فرزندپروری دیگر جهت‌مندی	۰/۲۹ <sup>**</sup>	۰/۳۰ <sup>**</sup>	۰/۲۶ <sup>**</sup>	۰/۲۲ <sup>**</sup>	۰/۴۹ <sup>**</sup>	۰/۵۴ <sup>**</sup>						
۸ - سبک فرزندپروری گوش به زنگی و بازداری	۰/۳۳ <sup>**</sup>	۰/۲۸ <sup>**</sup>	۰/۳۱ <sup>**</sup>	۰/۴۵ <sup>**</sup>	۰/۵۵ <sup>**</sup>	۰/۶۳ <sup>**</sup>	۰/۶۲ <sup>**</sup>					
۹ - نوجویی (NS)	۰/۲۱ <sup>**</sup>	۰/۱۴ <sup>**</sup>	۰/۰۳	۰/۲۵ <sup>**</sup>	۰/۱۸ <sup>**</sup>	۰/۲۳ <sup>**</sup>	۰/۰۶	۰/۱۷ <sup>**</sup>				
۱۰ - آسیب‌پرهیزی (HA)	۰/۳۶ <sup>**</sup>	۰/۰۲	۰/۱۶ <sup>**</sup>	۰/۲۱ <sup>**</sup>	۰/۱۹ <sup>**</sup>	۰/۱۳ <sup>**</sup>	۰/۱۱ <sup>*</sup>	۰/۰۳	۰/۱۳ <sup>**</sup>			
۱۱ - پاداش وابستگی (RD)	۰/۰۸	۰/۲۱ <sup>**</sup>	-۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۰۷	-۰/۰۳	۰/۰۸	۰/۱۵ <sup>**</sup>	۰/۰۴		
۱۲ - پشنگار (PE)	۰/۰۷	۰/۱۴ <sup>**</sup>	۰/۲۳ <sup>**</sup>	-۰/۰۵	۰/۰۸	-۰/۰۵	۰/۱۱ <sup>*</sup>	۰/۰۹ <sup>*</sup>	-۰/۱۷ <sup>**</sup>	-۰/۱۷ <sup>**</sup>	-۰/۰۵	
M	۰/۵۶	۲/۸۱	۳/۳۰	۰/۲۲	۲/۶۸	۲/۳۲	۲/۷۹	۲/۸۸	۰/۳۹	۰/۴۳	۰/۵۷	۰/۵۲
SD	۰/۳۴	۰/۶۹	۰/۷۷	۰/۱۱	۰/۵۵	۰/۷۵	۰/۶۱	۰/۶۱	۰/۶۱	۰/۶۱	۰/۶۱	۰/۶۱

\*\*p<۰/۰۱      \*p<۰/۰۵

جدول ۱ نشان می‌دهد که بیشترین سطح مربوط به طرحواره‌های ناسازگار اولیه در حوزه گوش به زنگی و بازداری، سبکهای فرزندپروری در حوزه گوش به زنگی و بازداری، ویژگیهای سرشتی در ویژگی سرشتی پاداش وابستگی است. طبق ماتریس همبستگی تمام سبکهای

فرزندپروری، ویژگی سرشتی نوجویی و ویژگی سرشتی آسیب‌پرهیزی با حوزه خودگردانی و عملکرد مختل، تمام سبکهای فرزندپروری، ویژگیهای سرشتی نوجویی، پاداش وابستگی و پشتکار با حوزه دیگر جهت‌مندی و تمام سبکهای فرزندپروری، ویژگی سرشتی آسیب‌پرهیزی و پشتکار با حوزه گوش به زنگی و بازداری طحوااره‌های ناسازگار اولیه ارتباط مثبت و معناداری دارد. فرضیه اول پژوهش این است که از بین متغیرهای پیش‌بین، سبکهای فرزندپروری خودگردانی و عملکرد مختل و ویژگیهای سرشتی در پیش‌بینی حوزه خودگردانی و عملکرد مختل طحوااره‌های ناسازگار اولیه نقش معناداری دارد. بدین منظور از تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد که نتایج در جدولهای ذیل ارائه شده است:

جدول ۲: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان مربوط به پیش‌بینی حوزه خودگردانی و عملکرد مختل

طحوااره‌های ناسازگار

شاخص الگو	مجموع مجذورات	Df	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	R	R <sup>2</sup>	خطای استاندارد برآورد
رگرسیون	۱۵/۶۶۶	۹	۱/۷۴۱	۲۲/۲۵۴	۰/۰۰۰	۰/۵۸۴	۰/۳۴۱	۰/۲۷۹۶۷
باقیمانده	۳۰/۲۷۰	۳۸۷	۰/۰۷۸					

جدول ۳: شاخصهای آماری و ضرایب متغیرهای پیش‌بین در رگرسیون مربوط به حوزه خودگردانی و

عملکرد مختل طحوااره‌های ناسازگار اولیه

شاخص متغیر	ضریب غیر استاندارد بتا	خطای معیار	ضریب استاندارد بتا	T	سطح معناداری
مقدار ثابت	-۰/۵۵۰	۰/۱۰۶		-۵/۲۰۲	۰/۰۰۰
سبک فرزندپروری بریدگی و طرد	۰/۲۲۸	۰/۱۴۶	۰/۰۷۸	۱/۵۶۷	۰/۱۱۸
سبک فرزندپروری خودگردانی و عملکرد مختل	۰/۱۵۰	۰/۰۳۴	۰/۲۴۵	۴/۴۶۵	۰/۰۰۰
سبک فرزندپروری محدودبتهای مختل	۰/۰۵۶	۰/۰۲۷	۰/۱۲۴	۲/۰۴۹	۰/۰۴۱
سبک فرزندپروری دیگر جهت‌مندی	۰/۰۳۰	۰/۰۳۱	۰/۰۵۴	۰/۹۵۲	۰/۳۴۲
سبک فرزندپروری گوش به زنگی و بازداری	-۰/۰۱۸	۰/۰۳۵	-۰/۰۳۲	-۰/۵۱۶	۰/۶۰۶
نوجویی (NS)	۰/۳۰۳	۰/۱۰۳	۰/۱۳۰	۲/۹۳۱	۰/۰۰۴
آسیب‌پرهیزی (HA)	۰/۵۵۱	۰/۰۷۹	۰/۳۰۲	۶/۹۵۸	۰/۰۰۰
پاداش وابستگی (RD)	۰/۱۰۳	۰/۱۰۴	۰/۰۴۲	۰/۹۸۵	۰/۳۲۵
پشتکار (PE)	۰/۱۶۴	۰/۰۵۱	۰/۱۴۱	۳/۲۱۸	۰/۰۰۱

اطلاعات مربوط به تحلیل رگرسیون همزمان به منظور پیش‌بینی حوزه خودگردانی و عملکرد مختل طرحواره‌های ناسازگار اولیه از طریق سبکهای فرزندپروری و ویژگیهای سرشتی در جدولهای ۲ و ۳ ارائه شده است. ضریب همبستگی چندگانه برای ترکیب خطی سبکهای فرزندپروری و ویژگیهای سرشتی با حوزه خودگردانی و عملکرد مختل طرحواره‌های ناسازگار اولیه برابر با ۰/۵۸۴ است که این متغیرها ۰/۳۴۱ از واریانس حوزه خودگردانی و عملکرد مختل طرحواره‌های ناسازگار اولیه را تبیین می‌کند. این رابطه خطی با مقدار  $F=22/254$  و در سطح  $P=0/0001$  معنادار است.

هم‌چنین نتایج ضرایب بتای استاندارد شده نشان می‌دهد که از بین متغیرهای پیش‌بین، سبک فرزندپروری خودگردانی و عملکرد مختل ( $B=0/245$ ,  $P<0/000$ )، سبک فرزندپروری محدودیت‌های مختل ( $B=0/124$ ,  $P<0/041$ )، ویژگیهای سرشتی نوجویی ( $B=0/130$ )، آسیب‌پرهیزی ( $B=0/311$ ,  $P<0/000$ ) و پشتکار ( $B=0/131$ ,  $P<0/001$ ) به صورت مثبت توانسته است حوزه خودگردانی و عملکرد مختل طرحواره‌های ناسازگار اولیه را پیش‌بینی کند. بر این اساس علاوه بر سبک فرزندپروری خودگردانی و عملکرد مختل و سه ویژگی سرشتی نوجویی، آسیب‌پرهیزی و پشتکار، سبک فرزندپروری محدودیت‌های مختل نیز پیش‌بینی‌کننده معناداری برای حوزه خودگردانی و عملکرد مختل طرحواره‌های ناسازگار اولیه در الگوی یانگ است. در ادامه به منظور بررسی فرضیه دوم پژوهش که "سبک فرزندپروری دیگر جهت‌مندی و ویژگیهای سرشتی در پیش‌بینی حوزه دیگر جهت‌مندی طرحواره‌های ناسازگار اولیه نقش معناداری دارد" از تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد. نتایج در جدولهای ذیل ارائه شده است:

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان مربوط به پیش‌بینی حوزه دیگر جهت‌مندی طرحواره‌های ناسازگار

شاخص الگو	مجموع مجذورات	Df	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	R	R <sup>2</sup>	خطای برآورد
رگرسیون	۳۵/۷۷۲	۹	۳/۹۷۵	۹/۸۴۵	۰/۰۰۰۱	۰/۴۳۲	۰/۱۸۶	۰/۶۳۵۳۹
باقیمانده	۱۵۶/۲۳۹	۳۸۷	۰/۴۰۴					

جدول ۵: شاخصهای آماری و ضرایب متغیرهای پیش‌بین در رگرسیون مربوط به حوزه دیگر جهت‌مندی

طرحواره‌های ناسازگار اولیه

شاخص متغیر	ضریب غیر استاندارد بتا	خطای معیار	ضریب استاندارد بتا	T	سطح معناداری
مقدار ثابت	۰/۸۳۶	۰/۲۴۰		۳/۴۷۹	۰/۰۰۱
سبک فرزندپروری بریدگی و طرد	۰/۴۴۵	۰/۳۳۱	۰/۰۷۵	۱/۳۴۶	۰/۱۷۹
سبک فرزندپروری خودگردانی و عملکرد مختل	۰/۰۴۷	۰/۰۷۶	۰/۰۳۸	۰/۶۱۶	۰/۵۳۸
سبک فرزندپروری محدودیت‌های مختل	۰/۰۶۴	۰/۰۶۲	۰/۰۷۰	۱/۰۳۶	۰/۳۰۱
سبک فرزندپروری دیگر جهت‌مندی	۰/۲۲۴	۰/۰۷۱	۰/۱۹۸	۳/۱۴۴	۰/۰۰۲
سبک فرزندپروری گوش به زنگی و بازداری	۰/۰۲۶	۰/۰۷۹	۰/۰۲۳	۰/۳۳۳	۰/۷۳۹
نوجویی (NS)	۰/۳۸۰	۰/۲۳۵	۰/۰۸۰	۱/۶۱۹	۰/۱۰۶
آسیب‌پرهیزی (HA)	-۰/۰۷۱	۰/۱۸۰	-۰/۰۱۹	-۰/۳۹۶	۰/۶۹۳
پاداش وابستگی (RD)	۱/۰۴۱	۰/۲۳۷	۰/۲۰۶	۴/۳۹۰	۰/۰۰۰
پشتکار (PE)	۰/۳۵۳	۰/۱۱۶	۰/۱۴۸	۳/۰۳۶	۰/۰۰۳

نقش ویژگی‌های سرشتی و سبک‌های فرزندپروری در پیش‌بینی...

اطلاعات مربوط به تحلیل رگرسیون همزمان به منظور پیش‌بینی حوزه دیگر جهت‌مندی طرحواره‌های ناسازگار اولیه از طریق سبک‌های فرزندپروری و ویژگی‌های سرشتی در جدول‌های ۴ و ۵ ارائه شده است. ضریب همبستگی چندگانه برای ترکیب خطی سبک‌های فرزندپروری و ویژگی‌های سرشتی با حوزه دیگر جهت‌مندی طرحواره‌های ناسازگار اولیه برابر با ۰/۴۳۲ است که متغیرها ۰/۱۸۶ از واریانس حوزه دیگر جهت‌مندی طرحواره‌های ناسازگار اولیه را تبیین می‌کند. این رابطه خطی با مقدار  $F=9/845$  و در سطح  $P=0/001$  معنادار است.

هم‌چنین نتایج ضرایب بتای استاندارد شده نشان می‌دهد که طبق انتظار از بین متغیرهای پیش‌بین، فقط سبک فرزندپروری دیگر جهت‌مندی ( $B=0/198$ ) و ویژگی‌های سرشتی پاداش وابستگی ( $B=0/206$ ) و پشتکار ( $B=0/148$ ) به صورت مثبت می‌تواند حوزه دیگر جهت‌مندی طرحواره‌های ناسازگار اولیه را پیش‌بینی کند ( $P<0/001$ ) و بقیه متغیرهای پیش‌بین تأثیر معناداری ندارد. بر این اساس و از بین متغیرهای پیش‌بین، سبک فرزندپروری دیگر جهت‌مندی و ویژگی‌های سرشتی پاداش وابستگی و پشتکار پیش‌بینی‌کننده‌های خوبی برای حوزه دیگر جهت‌مندی طرحواره‌های ناسازگار اولیه در الگوی یانگ است. در ادامه به منظور بررسی این فرضیه که

"سبک فرزندپروری گوش به زنگی و ویژگیهای سرشتی در پیش‌بینی حوزه گوش به زنگی و بازداري بیش از حد طرحواره‌های ناسازگار اولیه نقش معناداری دارد" از تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد که نتایج در جدولهای ذیل ارائه شده است:

جدول ۶: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان مربوط به پیش‌بینی حوزه گوش به زنگی و بازداري طرحواره‌های ناسازگار

شاخص الگو	مجموع مجذورات	Df	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	R	R <sup>2</sup>	خطای برآورد
رگرسیون	۴۲/۶۲۳	۹	۴/۷۳۶	۹/۴۴۶	۰/۰۰۰	۰/۴۲۴	۰/۱۸۰	۰/۷۰۸۰۷
باقیمانده	۱۹۴/۰۲۸	۳۸۷	۰/۵۰۱					

جدول ۷: شاخصهای آماری و ضرایب متغیرهای پیش‌بین در رگرسیون مربوط به حوزه گوش به زنگی و بازداري طرحواره‌های ناسازگار اولیه

شاخص متغیر	ضریب غیر استاندارد بتا	خطای معیار	ضریب استاندارد بتا	T	سطح معناداری
مقدار ثابت	۱/۶۱۸	۰/۲۶۸		۶/۰۴۳	۰/۰۰۰
سبک فرزندپروری بریدگی و طرد	۰/۵۸۲	۰/۳۶۹	۰/۰۸۸	۱/۵۷۹	۰/۱۱۵
سبک فرزندپروری خودگردانی و عملکرد مختل	۰/۰۹۳	۰/۰۸۵	۰/۰۶۷	۱/۰۸۹	۰/۲۷۷
سبک فرزندپروری محدودیت‌های مختل	-۰/۰۳۰	۰/۰۶۹	-۰/۰۲۹	-۰/۴۳۰	۰/۶۶۷
سبک فرزندپروری دیگر جهت مندی	۰/۱۰۸	۰/۰۷۹	۰/۰۸۶	۱/۳۵۹	۰/۱۷۵
سبک فرزندپروری گوش به زنگی و بازداري	۰/۲۰۱	۰/۰۸۸	۰/۱۶۰	۲/۲۸۲	۰/۰۲۳
نوجویی (NS)	۰/۰۴۵	۰/۲۶۱	۰/۰۰۹	۰/۱۷۴	۰/۸۶۲
آسیب پرهیزی (HA)	۰/۶۰۰	۰/۲۰۰	۰/۱۴۵	۲/۹۹۴	۰/۰۰۳
پاداش وابستگی (RD)	-۰/۱۶۴	۰/۲۶۴	-۰/۰۲۹	-۰/۶۲۰	۰/۵۳۵
پشتکار (PE)	۰/۶۰۰	۰/۱۲۹	۰/۲۲۷	۴/۶۳۶	۰/۰۰۰

طبق جدول ۶ ضریب همبستگی چندگانه برای ترکیب خطی سبکهای فرزندپروری و ویژگیهای سرشتی با حوزه گوش به زنگی و بازداري طرحواره‌های ناسازگار اولیه برابر با ۰/۴۲۴ است که متغیرها ۰/۱۸۰ از واریانس حوزه گوش به زنگی و بازداري طرحواره‌های ناسازگار اولیه را تبیین می‌کند. این رابطه خطی با مقدار  $F=9/446$  و در سطح  $P=0/0001$  معنادار است.

هم‌چنین نتایج ضرایب بتای استاندارد شده نشان می‌دهد که طبق انتظار از بین متغیرهای پیش‌بین، فقط سبک فرزندپروری گوش به زنگی و بازداری ( $B=0/160$ ,  $P<0/023$ )، ویژگیهای سرشتی آسیب‌پرهیزی ( $B=0/145$ ,  $P<0/003$ ) و پشتکار ( $B=0/227$ ,  $P<0/00$ ) به صورت مثبت می‌تواند حوزه گوش به زنگی و بازداری طرحواره‌های ناسازگار اولیه را پیش‌بینی کند و بقیه متغیرهای پیش‌بین تأثیر معناداری ندارد. بر این اساس سبک فرزندپروری در حوزه گوش به زنگی و ویژگیهای سرشتی آسیب‌پرهیزی و پشتکار پیش‌بینی‌کننده‌های خوبی برای حوزه گوش به زنگی و بازداری طرحواره‌های ناسازگار اولیه در الگوی یانگ است.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی نقش سبکهای فرزندپروری و ویژگیهای سرشتی در پیش‌بینی حوزه‌های خودگرانی و عملکرد مختل، دیگر جهت‌مندی و گوش به زنگی طرحواره‌های ناسازگار اولیه بود که با توجه به الگوی طرحواره محور یانگ انجام شد. نتایج این مطالعه نشان داد که در مرحله اول همه پنج حوزه سبکهای فرزندپروری، ویژگی سرشتی نوجویی و ویژگی سرشتی آسیب‌پرهیزی با حوزه خودگردانی و عملکرد مختل، تمام سبکهای فرزندپروری، ویژگیهای سرشتی نوجویی، پاداش وابستگی و پشتکار با حوزه دیگر جهت‌مندی و تمام سبکهای فرزندپروری، ویژگی سرشتی آسیب‌پرهیزی و پشتکار با حوزه گوش به زنگی و بازداری طرحواره‌های ناسازگار اولیه رابطه همبستگی مثبت و معناداری دارد. این یافته با نتایج پژوهشهای متعدد از جمله مطالعات هریس و سرتین (۲۰۰۲)، بارانف و همکاران (۲۰۰۷)، گانتی و همکاران (۲۰۰۸)، رایت و همکاران (۲۰۰۹)، زفیریلی و همکاران (۲۰۱۴) شهامت و همکاران (۱۳۸۹)، بیرامی و همکاران (۱۳۹۱)، احمدی و قریشی‌راد (۱۳۹۳)، حاجی کاظمی و همکاران (۱۳۹۳) و رستمی، سعادت و قزلسفلو (۱۳۹۴) همسو و هماهنگ است.

نتایج تحلیل رگرسیون همزمان به منظور بررسی فرضیه اول پژوهش نشان داد که از بین سبکهای فرزندپروری، سبکهای فرزندپروری خودگردانی و عملکرد مختل و محدودیتهای مختل به صورت مثبت و معناداری حوزه خودگردانی و عملکرد مختل طرحواره‌های ناسازگار اولیه را پیش‌بینی می‌کند. این نتیجه در راستای نظریه یانگ و با پژوهشهایی هماهنگ است که بیان کرده است سبکهای فرزندپروری پیش‌بینی‌کننده معناداری برای طرحواره‌های ناسازگار اولیه است. در

تیین این یافته می‌توان گفت که در ارتباط با خاستگاه طرحواره‌ها فرض بر این است که پنج نیاز اساسی کودک باید ارضا شود تا فرد رشد سالم داشته باشد. اگر در سبک فرزندپروری والدین هر یک از این نیازها بخوبی برآورده نشود، متناسب با عدم ارضا، کودک مستعد ایجاد طرحواره‌های ناسازگار اولیه در یک یا چند حوزه می‌شود. خودگردانی نیز به‌عنوان یک نیاز اساسی به معنای توانایی فرد برای جدا شدن از خانواده و عملکرد مستقل است که به صورت طبیعی در خانواده‌هایی که والدین با سبکهای فرزندپروری خود اعتماد به نفس کودکان را کاهش می‌دهند در حمایت از او افراط یا تفریط می‌کنند؛ از کودک بیش از حد محافظت می‌کنند و اجازه استقلال و مسئولیت‌پذیری را به فرزند خود نمی‌دهند و هم‌چنین در خانواده‌ای که والدین بشدت کنترل‌گر و انتقادکننده هستند و احساس درماندگی و شرمندگی را به کودک القا می‌کنند، نیاز به کفایت و هویت کودک ارضا نمی‌شود و در نتیجه کودک احساس می‌کند نمی‌تواند مسئولیتهای روزمره خود را بدون کمک دیگران در حد قابل قبولی انجام دهد. ادامه این الگوی تربیتی موجب می‌شود فرد نتواند هویتی جدا از والدین برای خود متصور شود. در نتیجه احساس پوچی و سردرگمی و بی‌کفایتی، و احساس می‌کند که فردی شکست خورده است و به احتمال بیشتری احساس اجبار برای واگذاری افراطی کنترل خود به دیگران خواهد داشت. این زمینه‌ها افراد را مستعد شکل‌گیری طرحواره‌های حوزه خودگردانی و عملکرد مختل نظیر وابستگی/ بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر، خود تحول نیافته/ گرفتار می‌کند.

در رابطه با نقش سبک فرزندپروری حوزه محدودیتهای مختل در پیش‌بینی حوزه خودگردانی و عملکرد مختل طرحواره‌های ناسازگار نیز می‌توان گفت در خانواده‌هایی که والدین در سبک فرزندپروری خود خیلی آسانگیر و بیش از حد مهربان رفتار کرده، و کودکان نیازی نداشته‌اند خویش‌دار باشند و از قوانین پیروی کنند، ادامه این وضعیت علاوه بر اینکه افراد را مستعد شکل‌گیری طرحواره‌های حوزه محدودیتهای مختل همچون طرحواره استحقاق/ بزرگ‌منشی یا خویش‌داری و خود - انضباطی ناکافی می‌کند، هم‌چنین می‌تواند با توجه به شباهت برخی از طرحواره‌های این دو حوزه با یکدیگر از یک سو و عدم تمایز بین سبکهای فرزندپروری و استفاده از الگوهای تربیتی متعدد در خانواده‌های ایرانی از سوی دیگر، زمینه بروز برخی از طرحواره‌های ناسازگار را در حوزه خودگردانی و عملکرد مختل نظیر وابستگی/ بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر، خود تحول نیافته/ گرفتار فراهم سازد. این نتیجه با پژوهش بیرامی و همکاران (۱۳۹۱)، که با استفاده از تحلیل رگرسیون نشان داد سبکهای فرزندپروری در حوزه‌های پنجگانه طرحواره‌ها به



غیر از حوزه دیگر جهت‌مندی، پیش‌بین خوبی برای طرحواره‌های ناسازگار در دو حوزه بریدگی/ طرد و خودگردانی و عملکرد مختل است، همسو و هماهنگ است.

نتایج این مطالعه بیانگر این است که طبق انتظار از بین تمام سبکهای فرزندپروری، فقط سبک فرزندپروری دیگر جهت‌مندی بخوبی حوزه دیگر جهت‌مندی طرحواره‌های ناسازگار اولیه را پیش‌بینی می‌کند. این نتیجه نیز در راستای نظریه یانگ و همسو با نتایج آن مطالعات است. در تبیین این یافته می‌توان گفت افرادی که طرحواره‌هایشان در حوزه دیگر جهت‌مندی قرار دارد به‌جای رسیدگی به نیازهای خود به دنبال ارضای نیازهای دیگران هستند. آنها این کار را برای دستیابی به تایید، تداوم رابطه هیجانی یا پرهیز از انتقام انجام می‌دهند. این افراد در روابط اجتماعی تمایل دارند بر پاسخهای دیگران بیشتر از نیازهای خود تأکید کنند و اغلب از خشم و تمایلات خودشان ناآگاه هستند. آنها در دوران کودکی آزاد نبوده‌اند تا از تمایلات طبیعی خودشان پیروی کنند و در بزرگسالی به‌جای اینکه از درون جهت‌دهی شوند از محیط بیرونی تأثیر می‌پذیرند و از خواسته‌های دیگران پیروی می‌کنند. ریشه تحولی طرحواره‌های این حوزه بر پذیرش مشروط مبتنی بوده است و طرحواره‌های آن مانند اطاعت، ایثار و پذیرش‌جویی در خانواده‌هایی به‌وجود می‌آید که کودک را با قید و شرط پذیرفته‌اند. در این خانواده‌ها نیازها و تمایلات هیجانی والدین و منزلت اجتماعی در مقایسه با نیازها و احساسات کودک ارزش بیشتری دارد و کودک برای دستیابی به توجه، محبت و پذیرش دیگران باید جنبه‌های مهم شخصیت خود را نادیده بگیرد.

نتایج این پژوهش هم‌چنین حاکی بود که طبق انتظار از بین تمام سبکهای فرزندپروری، فقط سبک فرزندپروری گوش به زنگی بخوبی می‌تواند حوزه گوش به زنگی طرحواره‌های ناسازگار اولیه را پیش‌بینی کند. این نتیجه نیز در راستای نظریه یانگ است. بر اساس این دیدگاه طرحواره‌های حوزه گوش به زنگی بیش از حد به‌طور معمول در خانواده‌هایی به‌وجود می‌آید که در آنها عصبانیت، توقع و گاهی تنبیه دیده می‌شود. در این خانواده‌ها بر عملکرد عالی، بی‌نقص‌گرایی، وظیفه‌شناسی، پیروی از قوانین، پنهان‌سازی هیجانها، پرهیز از اشتباه تأکید می‌گردد و در عین حال به لذت، خوشحالی و آرامش چندانی داده نمی‌شود (قنادی و عبداللهی، ۱۳۹۳). ادامه این وضعیت ممکن است موجب شکل‌گیری طرحواره‌هایی همچون منفی‌گرایی/ بدبینی، بازدارنده هیجانی، عیب‌جویی افراطی و تنبیه‌گر گردد. افراد دارای این طرحواره‌ها احساسات و تکانه‌های خودانگیخته را واپس‌زنی، و اغلب تلاش می‌کنند تا بتوانند طبق قواعد انعطاف‌ناپذیر و درونی شده خود عمل کنند. دوران کودکی این افراد پر از خشونت، واپس‌زدگی و سخت‌گیری

است و خویشتن‌داری و فداکاری بیش از حد بر خودانگیختگی و لذت غلبه داشته است. این بیماران در دوران کودکی به تفریح و شادی کردن تشویق نشده، و در عوض یاد گرفته‌اند که در زمینه حوادث منفی زندگی گوش به زنگ باشند و زندگی را طاقت فرسا در نظر بگیرند.

در رابطه با نقش ویژگی‌های سرشتی در پیش‌بینی حوزه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه نتایج پژوهش نشان داد که ویژگی‌های سرشتی نوجویی، آسیب‌پرهیزی و پشتکار بخوبی حوزه خودگردانی و عملکرد مختل طرحواره‌های ناسازگار اولیه را پیش‌بینی می‌کند. هم‌چنین نتایج حاکی بود که دو ویژگی سرشتی پاداش وابستگی و پشتکار توان پیش‌بینی حوزه دیگر جهت‌مندی طرحواره‌های ناسازگار اولیه را به صورت مثبت و معناداری دارد. هم‌چنین دو ویژگی سرشتی آسیب‌پرهیزی و پشتکار نیز حوزه گوش به زنگی طرحواره‌های ناسازگار اولیه را به صورت مثبت و معناداری پیش‌بینی می‌کند. هر چند پژوهش همسو و یا ناهمسو با این نتیجه یافت نشد، این یافته نیز در راستای نظریه یانگ است که معتقد است یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه، ویژگی‌های سرشتی هیجانی کودک است. در این باره می‌توان به این مطلب اشاره کرد که ویژگی‌های سرشتی هیجانی مانند نوجویی، آسیب‌پرهیزی، بدبینی، اضطراب و بی‌ثباتی، که بیشتر آنها مادرزادی است و نسبتاً غیر قابل تغییر، می‌تواند به گونه‌ای انتخابی کودکان را در معرض وضعیت خاصی قرار دهد و به واکنش‌های آسیب‌پذیر در مقابل رفتار والدین منجر گردد. تداوم این وضعیت بتدریج ممکن است زمینه شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه را در هر یک از حوزه‌های پنجگانه فراهم سازد.

نتایج پژوهش علاوه بر اینکه در توسعه دیدگاه یانگ درباره ریشه‌های تحولی طرحواره‌های ناسازگار اولیه قابل استفاده است، می‌تواند در جهت اصلاح و پیشرفت رویکرد طرحواره درمانی به درمانگران کمک کند. هم‌چنین می‌توان با تأکید بر اصلاح الگوهای فرزندپروری والدین در جهت پیشگیری و کاهش عوامل زمینه‌ساز طرحواره‌های ناسازگار اولیه از نتایج این پژوهش در تدوین برنامه‌های آموزشی برای والدین استفاده کرد.

از جمله محدودیت‌هایی این پژوهش می‌توان به نوع نمونه، که فقط دانشجوی و طلاب مرد بودند، اشاره کرد؛ بنابراین لازم است در تعمیم نتایج به زنان و غیر دانشجویان و طلاب جوانب احتیاط رعایت شود.

## منابع

- آهی، قاسم؛ محمدی‌فر، محمدعلی؛ بشارت، محمدعلی (۱۳۸۶). پایایی و اعتبار فرم کوتاه پرسشنامه طرح‌واره‌های یانگ. *روانشناسی و علوم تربیتی*. شماره ۳: ۵ تا ۲۰.
- احمدی، نسرين؛ قریشی راد، فخرالسادات (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار و سبک‌های فرزندپروری در افراد دارای رگه‌های اختلالات شخصیت دسته ب. *روانشناسی بالینی و شخصیت (دانشور رفتار)*. شماره ۱۰: ۸۷ تا ۹۸.
- ایرانی، جلال؛ سروقد، سیروس؛ سامانی، سیامک (۱۳۹۱). نقش واسطه‌های روان‌بنه‌های شناختی در ارتباط با فرایند و محتوای خانواده و شیوه‌های مقابله با تعارض. *فصلنامه روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*. شماره ۳۳: ۸۳ تا ۹۲.
- بیرامی، منصور؛ اسمعیلی کورانه، احمد (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین ریشه‌های تحولی (شیوه‌های فرزندپروری) و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در حوزه بریدگی - طرد، خودگردانی و عملکرد مختل در مدل طرح‌واره یانگ. *پژوهش‌های نوین روانشناختی*. شماره ۲۸: ۷۱ تا ۸۸.
- جان بزرگی، مسعود (۱۳۸۸). *شناخت درمانگری گروهی*. نوشته فری، مایکل. قم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جعفری، اصغر؛ برهون، مهری؛ قمری، محمد (۱۳۹۴). رابطه سبک‌های فرزندپروری و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با خودهای ممکن در دانشجویان. *مجله تحقیقات علوم رفتاری*. شماره ۱: ۲۹ تا ۴۰.
- حاجی کاظمی تهرانی، مریم؛ اسمعیلی، معصومه؛ فتحی‌آشتیانی، علی (۱۳۹۳). رابطه شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده با طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و جهت‌گیری مذهبی. *روانشناسی و دین*. شماره ۲۷: ۹۳ تا ۱۰۸.
- حشمتی، اعظم؛ یزدخواستی، فریبا؛ مولوی، حسین (۱۳۹۱). تعیین رابطه بین سرشت و درک پذیرش و طرد پدر با رفتار پرخاشگرانه دو گروه دانش‌آموزان شنوا و ناشنوا در شهر اصفهان. *مجله پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*. شماره ۱: ۲۷ تا ۴۲.
- حمید پور، حسن؛ اندوز، زهرا (۱۳۹۱). *طرح‌واره‌درمانی راهنمای کاربردی برای متخصصان بالینی*. یانگ، جفری؛ کلسکو، ژانت؛ ویشار، مارجوری (۲۰۰۳). ج اول. ج چهارم. تهران: ارجمند.
- خدابخش، روشنگر؛ یزدی، سیده منوره؛ عباسیان، محبوبه (۱۳۹۲). بررسی طرح‌واره‌های ناسازگار نوجوانان بزهکار و عادی با سبک دل‌بستگی والدینشان. *فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده*. شماره ۲۵: ۹۵ تا ۱۱۰.
- رستمی، مهدی؛ سعادت، نادره؛ قزلسقلو، مهدی (۱۳۹۴). رابطه بین تجربه آزرديدگی در کودکی با شیوه‌های مقابله با تنش و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه. *مجله اصول بهداشت روانی*. شماره ۶: ۲۶۹ تا ۲۷۷.
- رضائیان بیلندی، حسین؛ منیرپور، نادر؛ حسن‌آبادی، حمیدرضا (۱۳۹۵). ارائه مدل ساختاری برای تبیین تنوع‌طلبی جنسی بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، سبک‌های فرزندپروری و خلق و خو. *فصلنامه اندیشه و رفتار*. شماره ۴۰: ۷ تا ۱۶.
- سید محمدی، یحیی (۱۳۹۲). *روانشناسی رشد (از لقاح تا کودکی)*. ج اول. ج بیست و چهارم. نوشته برک لورا. تهران: ارسباران.

- شایقیان، زینب؛ آگیلار وفایی، مریم؛ رسولزاده طباطبائی، سید کاظم (۱۳۹۰). بررسی طرح‌واره‌ها و پیوند والدینی در دختران نوجوان با وزن طبیعی، چاق و یا دارای علائم بی‌اشتهایی عصبی. پژوهنده. شماره ۱: ۳۰ تا ۳۸.
- صلواتی، مژگان؛ یکه‌یزدان‌دوست، رخساره (۱۳۸۹). طرح‌واره درمانی راهنمای ویژه متخصصان روان‌شناسی بالینی. ویرایش حسین کاویانی. تهران: دانژه.
- علی محمدی، امیرحسین؛ شیبانی نوقابی، فرشاد؛ زاهدی تجربی، کمیل (۱۳۹۱). مقایسه ویژگی‌های سرشتی - منشی شخصیت در میان افراد معتاد، افسرده و مضطرب با افراد عادی. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی. شماره ۵۰: ۵۱ تا ۶۰.
- قنادی، فاطمه؛ عبداللهی، محمد حسین (۱۳۹۳). ارتباط ادراک رفتار والدین با طرح‌واره‌های ناکارآمد اولیه. مطالعات روان‌شناسی بالینی. شماره ۱۶: ۱۲۹ تا ۱۵۱.
- کاویانی، حسین (۱۳۸۸). هنجارسنجی پرسشنامه سرشت و منش (TCI) در طبقات سنی - جنسی: یافته‌های تکمیلی. مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران. شماره ۴: ۲۶۲ تا ۲۶۶.
- کاویانی، حسین؛ پورناصح، مهرانگیز (۱۳۸۴). اعتباریابی و هنجارسنجی پرسش‌نامه سرشت و منش کلونینجر TCI در جمعیت ایرانی. مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران. شماره ۲: ۸۹ تا ۹۸.
- کتابی، صمیمه؛ ماهر، فرهاد؛ برجعلی، احمد (۱۳۸۷). بررسی نیم‌رخ شخصیتی معتادان به مواد مخدر با استفاده از دو نظام شخصیتی کلونینجر و آیزنگ. فصلنامه اعتیاد پژوهی. شماره ۷: ۴۵ تا ۵۵.

- Alfasfos, L. (2009). The Early Maladaptive Schemas and their Correlations with the Psychiatric Symptoms and the Personality Accentuations for Palestinian Students Submitted to the Psychology Faculty of Hamburg University in Partial Fulfillment of the Requirement for the Degree of Doctor of Philosophy
- Amirsardari, L. & Esmali Kooraneh, A. (2014). Predicting Early Maladaptive Schemas by Young Parenting Styles International Journal of Psychology Vol. 8. 1:23-42
- Baranoff, J., Tian, P.S., & Oei. (2007). Young Schema Questionnaire: Review of Psychometric and Measurement Issues, Australian Journal of Psychology, 59: 78-86.
- Bosmans, G., Braet, C. & Vlierbergh, L. V. (2010). Attachment and Symptoms of psychopathology: Early Maladaptive Schemas as a Cognitive Link? Clinical Psychology and Psychotherapy Clin. Psychol. Psychother. 17: 374° 385.
- Cloninger, C.R., Przybeck, T.R., Svrakic, D.M., & Wetzel, R. (1994). The temperament and character inventory (TCI): A guide to its development and use. First edition. USA. St Louis: Center for Psychobiology of Personality, Washington University, 23-175.
- Diaz, Y. (2005). Association between parenting and child behavior problems among Latino mothers and children [PhD Thesis]. University of Maryland, College Park:
- Geerts, E., van, O.T., & Gerlsma, C. (2009). Nonverbal communication sets the conditions for the relationship between parental bonding and the short-term treatment response in depression. Psychiatry Research 165 :120° 127.
- Gunty, L., John R., & Buri. (2008). Parental Practices and the Development of Maladaptive Schemas, Paper Presented at the 20th Annual Meeting of the Association for Psychological Science, Chicago
- Harris, A.E. & Curtin, L. (2002). Parental Perceptions, Early Maladaptive Schemas, and Depressive Symptoms in Young Adults, Cognitive Therapy and Research, 26( 3):405-416.

- Harris, A.E. & Curtin, L. (2002). Parental Perceptions, Early Maladaptive Schemas, and Depressive Symptoms in Young Adults, *Cognitive Therapy and Research*, 26( 3): 405-416.
- Melmed, L.R. (2012). Cognitive Style as a Mediator between Parental Psychological Maltreatment and Depression in Adolescent Boys, Submitted under the Executive Committee of The Graduate School of Arts and Sciences, Columbia University in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy.
- Muris,P. (2006). Maladaptive Schemas in non-clinical Adolescents: Relations to Perceived Parental Rearing Behaviours, Big five Personality Factors, and Psychopathological Symptoms, *Clinical Psychology and Psychotherapy*, 13: 405-413
- Nordahl, H. M., Holthe, H., & Haugum, J.A. (2 5). Early maladaptive schemas in patients with or without personality disorders: does schema modification predict symptomatic relief? *Clinical Psychology and Psychotherapy*, 12: 142-146.
- Roelofs, J., Onckels, L. & Muris, P. (2012). Attachment Quality and Psychopathological Symptoms in Clinically Referred Adolescents: The Mediating Role of Early Maladaptive Schema. *J Child Fam Stud*.
- Sadock, B.J. & Sadock VA. (2007). Kaplan & Sadock s Synopsis of Psychiatry Behavior Sciences/Clinical Psychiatry. 10th ed. Lippincott Williams & Wilkins
- Schmidt, N. B., Joiner, T. E., Young, J. E., & Telch, M. J. (1995). The schema questionnaire: Investigation of psychometric properties and the hierarchical structure of a measure of maladaptive schemas. *Cognitive Therapy and Research*, 19: 295- 321.
- shahamat, f., Sabeti, A. & Rezvani, S. (2011). Study of relationship between child rearing styles and early maladaptive schemas. *Studies in Education and Psychology*, 11(2): 239 - 254
- Sheffield, A., & Waller , G. ,et .al.(2005). Linking between parenting and core belief: preliminary psychometric validation of the Young Parenting Inventory .Springer.
- Torres, C. (2002). Early maladaptive schema and cognitive distortion in psychopathy and narcissism. A thesis (2002) submitted for the degree of doctor of psychology clinical of Australian national university.
- Waller, G., Dickson, C., & Ohanian, V. (2002) Cognitive content in bulimic disorders: Core beliefs and eating attitudes, *Eating Behaviors*, 3:171-178
- Wright, M.O., Crawford, E. & Castillo, D.D. (2009) Childhood emotional maltreatment and later psychological distress among college students: The mediating role of maladaptive schemas, *Child Abuse & Neglect*, 33: 59-68.
- Yazdkhasti, F. & Harizuka, S. (2006). The effects of temperament and perceived maternal rejection and childhood anxiety and behavior problems. *School Psychology International*, 27 (1): 105-128
- Yazdkhasti, F., Harizuka, S. (2006). The effects of temperament and perceived maternal rejection and childhood anxiety and behavior problems. *School Psychology International*, 27 (1): 105-128.
- Young, J. E., Kolsko, J., & Wissher, M. E. (2003). Schema therapy: Practitionerers guide, New Yourk, Guilford Publications
- Young, J.E., & Brown, G. (1994). Young schema questionnaire: A schema-focused approach. *J Cogn Ther Per Disord*, 63-76
- Zafiropoulou, M., Avagianou, P.A., & Vassiliadou, S. (2014). Parenta Bonding and Early Maladaptive Schemas. *Journal of Psychological Abnormalities in Children*, 3: 110.